

تبیین ماهیت فضای مجازی با تأکید بر مؤلفه «آزادی»

پرستو مصباحی جمشید^۱

چکیده

امروزه فضای مجازی به دلیل توسعه و نقش آفرینی گسترده در حیات انسان، هم به دگرگونی ساختارهای اجتماعی انجامیده و هم بر عوامل هویت بخش انسان اثر گذاشته است. یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر هویت انسان، آزادی است که در عین حال، عاملی مؤثر بر رفتار کاربران در فضای مجازی است. درک ماهیت فضای مجازی و ویژگی‌های آن مانند متن محوری، زیست شبکه‌ای و توده محوری، مواجهه کاربران را با آن متفاوت و البته هوشمندانه‌تر می‌کند. این پژوهش با هدف تبیین جایگاه آزادی در رفتار کاربران فضای مجازی و با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی است آزادی انسان در فضای مجازی امر متشابهی است و نیازمند رجوع به امور محکم است لذا از قاعده دینی رجوع متشابهات به محکومات استفاده شده است. در این پژوهش برای روشنگری در خصوص چندجانبه و مبهم بودن فضای مجازی، معیاری به نام عقلانیت و عامل وضوح بخشی به نام معنویت معرفی گردد تا آزادی موجود در این فضا مدیریت شود و منجر به عملکرد مطلوب کاربران گردد.

کلید واژه‌ها: فضای مجازی، آزادی، محکومات و متشابهات

مقدمه

فضای مجازی که از آن تعبیر به تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات می‌شود، محصول صنعت جهانی ارتباطات است. این صنعت نوع جدیدی از ارتباطات مجازی را بوجود آورده که به آن ارتباطات همزمان می‌گویند. در واقع فناوری دیجیتال پدیده‌ای حیاتی در عصر حاضر است و همواره با دگرگونی ساختارهای اجتماعی همراه بوده است. یکی از رویدادهای فناورانه، تحقق فضای سایبرنتیک است که با بیشترین نزدیکی ماهیت فناوری را آشکار می‌کند. این فضا چند رسانه‌ای است و می‌تواند حاوی پیام‌هایی متفاوت از جنس‌های متفاوت باشد، مرزبندی در این فضا وجود ندارد، سرشار از هویت‌های سیالی است که به نوعی خلق الساعه‌اند، این فضا با قدرت زیاد موازی با فضای واقعی در حال حرکت و اثرگذاری بر زندگی انسان‌هاست. ماهیت سیال فضای مجازی خود را از طریق

^۱ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، P.mesbahij@yahoo.com

مسائلی چون از بین رفتن انواع تقابل‌ها و مرزها، زیست شبکه‌ای و آزادی و اختیار عمل در تولید و انتقال محتوا نشان می‌دهد. این مسائل فضای مجازی را- به عنوان رسانه ای که واقعیات در عرصه آن کانالیزه می‌شوند- در بستر ایده فراگیر جهانی شدن به مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای حیات مطلوب انسان تبدیل کرده است. همچنین تعامل گسترده انسان با فضای مجازی، کارآیی عناصر ثابت هویت بخش را متفاوت از گذشته کرده و بعد سیال هویت انسان را دستخوش چالش‌های مهمی نموده است که می‌تواند سلامت روانی کاربران را به خطر اندازد. یکی از علل این چالش‌ها آزادی بی‌حد و حصری است که در فضای مجازی موجود است و عموماً مطلوب کاربران می‌باشد. اینکه بهره‌گیری از مؤلفه آزادی در عصر حاضر چگونه می‌تواند در درون تنوع فرهنگی موجود به سعادت انسان یاری رساند و بجای اینکه عامل تهدیدزا باشد، به عنوان عاملی اثر بخش ایفای نقش کند، اهمیت پژوهش حاضر را روشن خواهد کرد. در این پژوهش به مسائلی از این دست پرداخته خواهد شد که ماهیت فضای مجازی چیست؛ انسان با کدام معیار به مرحله‌ی تشخیص، ارزیابی و گزینش امور در فضای مجازی می‌رسد؛ آیا با وجود مداخله مستقیم عنصر آزادی در رفتار کاربران، راهی برای تشخیص نحوه گزینش درست وجود دارد؟ در حقیقت با پاسخ به این پرسش‌ها و تعیین ارزش و کارآیی آزادی در مواجهه با این رسانه جدید است که معلوم می‌شود در دنیای نوین به چه دلیل باید به استقبال این نوع از تکنولوژی رفت. بدین منظور نخست مفاهیم اصلی پژوهش تبیین می‌شود و سپس جایگاه مؤلفه آزادی در میان ویژگی‌های فضای مجازی بررسی شده، نهایتاً به ارائه راهکار برای مواجهه هوشمندانه با فضای مجازی پرداخته خواهد شد.

۱ تبیین مفاهیم

۱/۱ ماهیت فضای مجازی

فضای مجازی یک ابداع نوین تکنولوژیک است و با بیشترین نزدیکی بیانگر ماهیت تکنولوژی است. فضای مجازی را هم از دید سخت افزاری و هم نرم‌افزاری می‌توان تعریف کرد. فضای مجازی به لحاظ فنی حاکی از وجود میدان الکترومغناطیسی گسترده‌ای است که در آن داده‌های متکثری حاوی اطلاعات متنوع و غیر یکدست در حال تبادل‌اند. استفاده از اصطلاح فضای مجازی برای توصیف فضای تخیلی حاصل از اتصال رایانه‌های حامل منابع اطلاعاتی که در یک شبکه گسترده قرار دارند، تعریفی سخت‌افزاری است که طبق آن فضای مجازی مجموعه‌ی شبکه‌ها و خطوط ارتباطی است. همچنین در نظر گرفتن فضای مجازی به عنوان مجموعه‌ای از تصاویر، ایده‌ها و نمادها که در هم تنیده‌اند، حاکی از تعریفی نرم‌افزاری است. این فضا که محل تلاقی عناصر مادی و نمادین است، محیطی آکنده از اطلاعات نامرئی است که با ابزار الکترونیکی ایجاد شده است و به درگیری ذهن انسان می‌انجامد و البته مکانی را در عالم ماده اشغال نمی‌کند.

فضای مجازی ترکیبی از دو واژه *space* و *cybernetics* است که هر کدام دال بر معنای خاصی هستند و امتزاج آن‌ها اصطلاح پرکاربرد را ایجاد کرده است. بنیان‌گذار علم سایبرنتیک «نوربرت وینر»^۲ است. او معتقد است که سایبرنتیک از واژه یونانی کورننتس^۳ به معنای سکاندار که خود منشأ واژه گاورنر^۴ است، اخذ شده است (benedikt, ۱۹۹۱ a:۵). ویلیام گیسون^۵ نخستین بار اصطلاح فضای مجازی را در سال ۱۹۸۲ در معنای فضای تخیلی که از اتصال رایانه‌ها پدید می‌آید و تمام عناصر حیات انسانی و اطلاعات جهانی را به هم مرتبط می‌کند، بکار برد. زمانی که این واژه را گیسون در داستان *کروم شعله‌ور* و سپس در کتاب دیگر خود به نام *نیورمانسر*^۶ به کار برد، قصد داشت جدایی روح از بدن برای ورود و زیست در دنیای مجازی و تحقق آرمان آزادی را تشریح کند. او از این واژه استفاده می‌کند تا فضایی را توصیف کند که در آن شخصیت‌ها ضمیرناخودآگاهشان را به شبکه اینترنت متصل می‌کنند و در آن شبکه به زیست مجازی می‌پردازند. گیسون در این کتاب نوشت: «فضای سایبری نوعی توهم و خیال مورد توافق است که هر روزه میلیاردها عمل‌کننده‌ی قانونی و در هر کشوری کودکانی که مفاهیم ریاضی را آموخته باشند آن را تجربه می‌کنند» (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۴۵۰). همچنین فضای مجازی از نظر بندیکت عبارتست از: «دنیایی چندحسی، سه بعدی، پیچیده، پربافت، ظریف و مجازی که یک عالمه داده‌های انتزاعی و اطلاعات افراد در دوردست را به تجربه‌ای ادراکی اما کاملاً دست‌اول تبدیل می‌کند» (benedikt, ۱۹۹۱ b:۱۹۱).

خلق و توسعه این فضا تعاملات جدیدی را تولید کرده است، از قبیل: رابطه انسان و کامپیوتر، رابطه ذهن با فضای مجازی، رابطه بدن با فضای مجازی، هوش مصنوعی و مانند آن. تعریف فضای مجازی به اندازه سادگی و سهولت آن پیچیده است زیرا حاکی از جغرافیای گسترده و نامحدود ذهنی است که قادر است به اشکال و انواع متفاوتی نمودار گردد و بدون اینکه نقطه پایانی برای آن بتوان تصور کرد، قادر به پیش‌روی است. تردد در این فضا تردد در میان داده‌ها، دانش و امور سرگرم‌کننده است. فضایی که در آن قوای حسی و ذهن درگیراند اما روح یا نفس به عنوان بخشی از وجود انسان که در نظام‌های معرفتی متکی به مرجع، جایگاه ویژه‌ای دارند، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در خصوص کارکردهای فضای مجازی ویتل در کتاب *فضای مجازی: بعد انسانی* معتقد است ارتباطات، تحصیل، تفریح و سرگرمی، تسهیل امور، تجارت، برخط و کنار خط اهدافی‌اند که افراد در این فضا

۲. Norbert Wiener

۳. Kubernets

۴. Governer

۵. Wiliam Gibson

۶. Neuromancer

در پی آن هستند (Whittle, ۱۹۹۷: ۲۲). تبیین ماهیت فضای مجازی بدون پرداختن به ویژگی‌های آن میسور نمی‌باشد از میان مجموع ویژگی‌های فضای مجازی به توضیح سه مورد از آنها پرداخته می‌شود.

۱. متن محوری: متن شامل هر نوع محتوای ارتباطی مانند کتاب، تصویر موجود در یک تابلو و صوت است؛ متن محوری در قالب عناصر زبان و نوشتار ظهور می‌کند و از شاخصه‌هایی است که در ادراک ماهیت فضای مجازی حضور دارد. بطور کلی هر فعالیت آگاهانه‌ای در ساختار زبان تعریف می‌گردد. در فضای مجازی واحد انتقال معنا متن است و متن گذرگاه اطلاعات است. متن محوری به قدری گسترده است که پس‌اساختار‌گرایان در یک موضع افراطی جهان را به مثابه یک متن تلقی می‌کنند و واقعیت را یک ساختار پراکنده و بی ترتیب می‌دانند (هوراکس، ۱۳۸۱: ۴۴). در واقع معلومات افراد که آن را از طریق تجربه و کندوکاو عینی و ذهنی بدست آورده بودند، زمانی که توسط ابزارهای فناورانه صورت اتوماتیک به خود گرفتند، به اطلاعات بدل شدند و اطلاعات در قالب ساختاری زبان جاری گردید.

۲. زیست شبکه‌ای: محیط شبکه از افراد، سازمان‌ها، فعالیت‌ها، خدمات و تجهیزات فناوری تشکیل شده است. در دنیای معاصر که انسان در سیطره تکنولوژی به سر می‌برد، گریزی از زندگی و صرف زمان قابل توجهی در شبکه ندارد. در واقع هدف کلیدی‌ای که میان مفاهیمی مانند فرد، شبکه، اینترنت، اطلاعات، مجاز و رسانه پیوند ایجاد می‌کند، «ارتباط» است؛ ارتباط نیاز حیاتی انسان است و در وضعیت فعلی جهان خود را در برخورداری و بکاربری ابزارهای ارتباط جمعی عرضه می‌نماید. ارتباط یکی از دو عنصر کلیدی در تعریف سایبرنتیک از نظر وینر است (وینر، ۱۳۷۲: ۲). در زندگی شبکه‌ای فرد خود را در نسبتش با جمع می‌یابد و از این طریق به هویت بخشی خود اقدام می‌کند. به تعبیر کاستلز «در فضای مجازی فرد گرایی در عین زیست شبکه‌ای وجود دارد» (Castells, ۲۰۰۱: ۱۲۸). از نظر کاستلز هر دو مؤلفه فرد و جمع در شبکه موجود است اما حیطه ارتباطات جمعی بسیار گسترده‌تر از گذشته است.

۳. توده محوری^۷: عنصر توده گرایی در فضای اینترنت حاکی از چند سطح از معنا است. در سطح اولیه به معنای عامه پسند بودن است اما علاوه بر آن به دسترسی بدون محدودیت کاربران اشاره دارد و اینکه به تخصص در درک و شناخت آن نیازی نیست. بیشترین کاربران فضای مجازی را «کاربران معمولی» تشکیل می‌دهند. کاربران معمولی اصطلاحی است که بل بکار می‌برد تا رویکرد مصرف‌کنندگی و فقدان تخصص کاربران را نشان دهد. با توجه به اینکه فضای مجازی فاقد هر نوع سیستم نظارتی است، فعالیت توده‌ها در آن گسترده‌تر است.

آزادی معانی متعددی دارد؛ در لغت نامه دهخدا به قدرت انتخاب، رهایی و ضد بندگی معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۷). در اصطلاح نیز معانی بسیاری برای آزادی بیان شده است مانند فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان (برلین، ۱۳۹۲: ۲۳۶) و سلب مانع ترقی و تکامل (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۱). ساده ترین مفهوم آزادی تعریف هابز است که آن را طلب بدون امیال و تمنیات می داند؛ او می گوید: «اراده آخرین میل در جریان تأمل و چاره جویی است» (هابز، ۱۳۸۰: ۱۱۲). در نقطه مقابل آن تعریف کانت قرار دارد که می گوید: عملی که انگیزاننده-اش صرفاً میل محسوس است آزاد نیست، چرا که انسانها می توانند برده تمایلات درونی خود باشند همانگونه که می توانند اسیر نیروهای خارجی باشند. در این نگاه آزادی عمل به معنای دقیقش، باید از عقل نشأت گرفته باشد، بدین معنا که تنها عمل عقلانی است که می تواند به درستی آزاد تلقی شود (کانت، ۱۳۷۶: ۲۰). اما در سنت اندیشه اسلامی آزادی با حیات معقول نسبتی دارد که علامه جعفری با دقت علمی آن را تبیین می کند: «حیات معقول از مرحله رهایی شروع می شود و از آزادی عبور می کند و در مرحله والای اختیار شکوفا می شود. محققان حرفه ای غالباً میان این سه مرحله تفاوتی نمی گذارند اما رهایی برداشته شدن قید و زنجیر جسمانی، قراردادی یا روانی است؛ آزادی رها بودن از زنجیر به اضافه داشتن توانایی انتخاب بر اساس استقلال و احساس شخصیت است اما تعیین کننده نیکی و بدی، عظمت و پستی، زشتی و زیبایی نیست؛ اختیار نظارت و سلطه شخصیت به دو قطب مثبت و منفی عمل برای بهره برداری از آزادی در راه وصول به خیر و رشد است. اختیار، کسب معقول بوسیله فعالیت عقلانی است» (جعفری، ۱۳۶۱: ۴۳). آزادی در فضای مجازی عنصر برجسته ای است و به نوعی مشرف بر تمام ویژگی های فضای مجازی است. در این پژوهش به کم و کیف مؤلفه آزادی در فضای مجازی پرداخته شده است.

۱/۳ قاعده متشابهات و محکّمات

قرآن کریم دارای آیات محکم و متشابه است. محکم، کلامی است که برخوردار از دلالت واضح و صریحی است و می توان از ظاهر آن، به مراد و مقصود آن پی برد. این آیات اصل و اساس قرآن را تشکیل می دهند. اما متشابه، کلامی است که بار معنایی متفاوتی دارد و منظور از آن واضح و روشن نیست، بلکه نیاز به تحقیق و دقت نظر دارد و مهم تر اینکه لازم است به آیات محکم ارجاع داده شوند. خداوند می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران/۷) اوست خدایی که قرآن را بر تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که اصل و مرجع سایر آیات کتاب خداست و برخی دیگر متشابه است، و آنان که در دلشان میل به باطل است از پی متشابه رفته تا به تأویل کردن آن در دین راه شبهه و فتنه گری پدید آرند، در صورتی که تأویل آن را کسی جز خداوند و اهل دانش نداند؛ گویند: ما به همه کتاب گرویدیم که همه از جانب پروردگار ما آمده، و به این (دانش) تنها

خردمندان آگاهند. طبق این آیه کریمه، بخشی از آیات قرآن بصورت متشابه می‌باشد و ممکن است مورد شبهه برخی افراد قرار گیرند. علامه طباطبایی در باب آیات محکم و متشابه می‌گوید: «آیات متشابه آیتی‌اند که مقصود از آن برای فهم شونده روشن نیست و چنان نیست که شونده به مجرد شنیدن آن، مراد از آن را درک کند، بلکه در این که منظور، فلان معنا است یا آن معنای دیگر تردید می‌کند، و تردیدش بر طرف نمی‌شود تا آن که به آیات محکم رجوع نموده و به کمک آنها معنای آیات متشابه را مشخص کند» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۹). علامه جوادی آملی در کتاب *تفسیر انسان به انسان* بحث محکمت و متشابهات قرآنی را به انسان نیز تعمیم می‌دهد و می‌گوید: «انسان یا زنده است یا مرده (کافر)، انسان زنده یا خواب است یا بیدار، انسان بیدار یا بیمار است یا سالم، انسان سالم یا ناقص است یا کامل و انسان کامل یا کامل‌تر است یا کامل‌ترین» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۵۸). از نظر ایشان در این تقسیم‌بندی همه انسان‌ها به جز دو قسم آخر انسان متشابه‌اند؛ علمای عامل، کامل‌اند و انبیا و اولیا، اکمل می‌باشند. در این پژوهش از این قاعده به عنوان راهکاری دینی برای مدیریت آزادی در فضای مجازی و هدایت آن به سمت گزینش‌های درست بهره‌برداری شده است.

۲ آزادی کاربران در فضای مجازی

در این بخش به این مسئله پرداخته می‌شود که زیست‌گریزناپذیر انسان معاصر در فضای مجازی با ویژگی‌هایی که برشمرده شد، چه نتایجی برای حیات او دارد و هویت انسان چگونه می‌تواند توسط عنصر آزادی در فضای مجازی مورد تهدید قرار بگیرد. زیرا هویت امری ثابت و از پیش تعیین شده نیست و حاصل تلاش و توفیق شخص و تا اندازه‌ای متأثر از شرایط اجتماعی است. ایفای نقش آزادی در زندگی مجازی کاربران با توجه به ویژگی‌های فضای مجازی تبیین می‌شود.

۲/۱ آزادی کاربران با توجه به ویژگی متن محوری در فضای مجازی

فضای مجازی متن محور است به این معنا که در آن نوشتار بر صور دیگر انتقال معنا غلبه می‌کند. شیوه متن محور در فضای مجازی این امکان را در اختیار افراد قرار می‌دهد تا بر اساس دریافتی که از متن دارند و نوع بازنمایی که انجام می‌دهند، انتخاب‌های خود را صورت دهند. متن قابل انفکاک از فضای مجازی نیست. از نظر دریدا زبان را برای کنش، حرکت، اندیشه، تأمل آگاهی یا ناآگاهی، تجربه، تأثیر یا غیره به کار می‌برند (دریدا، ۱۳۸۱: ۳۵۰). او به تصریح می‌گوید که کل میدان تحت پوشش پروگرام سایبرنتیکی صرف نظر از وجود یا عدم محدودیت‌های ذاتی آن، میدان نوشتار است. به فرض که نظریه سایبرنتیکی بتواند تمام مفهومی‌های متافیزیکی - حتی مفهومی‌های روح، زندگی، ارزش، انتخاب و حافظه را از خود براند، مفهومی‌هایی که پیش از این در خدمت تقابل ماشین با

انسان بود، باز می‌بایست تا آنجا که تعلق تاریخی - متافیزیکی‌اش نیز فاش می‌کند، انگاره نوشتار، رد^۸، گرام^۹ و واحد نوشتاری را حفظ نماید(همان). لذا متن از فضای مجازی سلب شدنی نیست. حضور اثربخش متن در فضای مجازی به دامنه آزادی فرد می‌افزاید و او را تبدیل به تولید کننده متن با هر کیفیت و هر اندازه از سندیت متنی می‌کند.

متون وب از نظر میتر و کوهن شش ویژگی کلیدی دارند که عبارتند از: بینامتنیت، غیر خطی بودن، محو نمودن تمایز بین خواننده و نویسنده، چند رسانه‌ای بودن، جهانی بودن و گذرایی (بل، ۱۳۸۹: ۲۹۸). این ویژگی‌ها به این معنا هستند که یک متن گستردگی بسیاری به لحاظ ارجاع می‌تواند داشته باشد، متون اینترنتی در حد وافر باز و غیر محدوداند؛ در واقع فاقد نقطه شروع و نقطه پایان‌اند. اصطلاحی که فیلسوفان پست مدرن برای این ویژگی بکار می‌برند «ریزوماتیک» بودن است یعنی فضایی غیر خطی، افقی، سیال و شکننده، بدون تمرکز بر ریشه واحد، برخوردار از حرکت خودجوش و ملکولی و مخالف ساختارهای عمیق. این ویژگی‌ها به وضوح با عناصر هویت بخش حیات انسان مانند تأثیرپذیری از اجتماع و تعامل با موقعیت مرتبط‌اند و به مقابله با مبانی هویت بخش انسان یعنی میل و گرایش درونی او به باور توحیدی به عنوان عمیق‌ترین ساختار اعتقادی، منجر می‌شوند. از آنجا که هر کسی می‌تواند سازنده متن باشد، تمایز میان خواننده و نویسنده ناپیدا است؛ فضای مجازی محیطی است که در آن بیشتر امکانات رسانه‌ای قابل عرضه‌اند، مرزهای جغرافیایی کوچکترین محدودیتی برای انتقال معنا در این فضا ایجاد نمی‌کند و دیگر اینکه بی‌ثباتی و ناپایداری متون در صفحات اینترنت، میزان عمر آنها را نامعلوم می‌کند. متناسب با شرایط برآمده از ویژگی متن محوری، کاربران در جریانی پیشرو قرار می‌گیرند که آنان را بی‌آنکه بخواهند یا بدانند هدایت می‌کند. نوع و میزان باورهای آنان را تعیین کرده و جهت می‌دهد زیرا متون بر عقاید حکومت می‌نمایند. به تعبیر رولان بارت متن (یا نص) آن چیزی است که به سرحد قواعد کنش گفتاری (خردمندی و توانایی خواننده شدن و غیره) بازمی‌گردد... متن سعی دارد خود را ورای سرحد عقاید جای دهد (بارت، ۱۳۷۴: ۱۸۱ و ۱۸۲). بنابراین عقاید کاربران در سیطره متن و محتوای آن قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر فضای متن محور سایبرنتیکی با ساخت هویت در ارتباط است چون فضای مجازی تبدیل به فضای ساخت، تعدیل، تغییر یا انهدام هویت شده است. دیوید بل این ارتباط را به دقت تبیین می‌کند. از نظر او «نهاد پسانوگرا که شکسته، تکه تکه و بدون مرکز نظریه پردازی می‌شود، نهاد قلمروهای چند کاربردی است که هویت‌های جدید را در فضاهاى مجازی متن محور حروف چینی می‌کند و با حروف چین‌های هویتی دیگر از هر جا و همه جا ارتباط برقرار می‌نماید» (بل: ۱۳۹۰: ۷۹). در واقع در زندگی آنلاین که شیوه متن-محور مبنای ارتباط در آن است کاربران خوداندیشی، بررسی، دلیل‌سازی، تصمیم‌گیری و انتخاب را از دیدگاه تصورات و بازنمایی‌های خود

^۸. trace

^۹ Gramme

انجام می‌دهند. مهم‌ترین خلاء در این نوع زندگی، مربوط به «معیار» است. معیار یا شاخص لازمه حیات معقول بشر است و غفلت از آن، اهمیت آن را از بین نمی‌برد.

۲/۲ آزادی کاربران با توجه به ویژگی شبکه محوری در فضای مجازی

زندگی روی شبکه امکانات و ویژگی‌های خاصی دارد؛ یکی از آنها این است که اختیار نامحدودی به کاربر می‌دهد تا شخصیت مورد نظر خود را بسازد و آن را تعریف و بازنمایی کند و پس از آن بدون التزام به هیچ چیز از آن شخصیت دست برداشته و نوع دیگری را تجربه کند. در واقع تلاقی آزادی با زیست شبکه‌ای انسان در فضای مجازی، منجر به این می‌شود که فرد از هویت فردی خود غفلت کرده و یا آن را سیطره علائق و باورهای جمعی تحلیل برد. تحلیلی که در بیشتر مواقع چنان به آرامی صورت می‌گیرد که فرد متوجه آن نمی‌شود. به همین دلیل است که دریفوس معتقد است ما نه تنها به وسیله شیوه استفاده‌مان از ابزارها تغییر شکل داده شدیم بلکه از چگونگی این تغییر شکل نیز آگاه نیستیم لذا لازم است تلاش کنیم تا آنچه شبکه برای ما انجام می‌دهد و آنچه را که ما در این فرآیند متحمل می‌شویم، آشکار کنیم (دریفوس، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

تحت تأثیر زیست شبکه‌ای و تلقی جدید از ارتباط است که سوال کلیدی ترکل این است: «ما که هستیم؟». در این تعبیر واژه جمع کنار واژه مفرد قرار می‌گیرد و ترکیب معناداری را می‌سازد که حاکی از تحلیل رفتن فرد در حیات جمعی است. این مسئله به وضوح به چالش کشیدن هویت فردی انسان با مؤلفه‌های جمعی است. با توجه به اینکه هویت امری چند لایه است و لایه‌های آن متداخل و متعامل می‌باشند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: ۲۶۷)، تحولات مربوط به لایه اجتماعی بر لایه فردی حیات انسان اثر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد. این تحولات که دارای وجوه مرئی و نامرئی است به جنبه فعال و منفعل هویت ختم می‌شود و شخصیت انسان معاصر را می‌سازد. کاربر فضای مجازی چنان در علائق و گزینش‌های جمعی محو می‌گردد که در واقع آزادی عمل خود را در سیطره القائات و پیشنهادات متنوعی که رویکرد یکسانی دارند، به وضوح محدود می‌کند؛ آن رویکرد یکسان، سلب آزادی فردی است که خود را در قالب القای آزادی جمعی نشان می‌دهد.

۲/۳ آزادی کاربران با توجه به ویژگی توده گرایی در فضای مجازی

در فضای مجازی جستجوی هر مطلبی با موارد زیادی از پیشنهادها همراه است و تنوع دسترسی به اطلاعات به حدی است که تشخیص اطلاعات درست از نادرست را برای کاربر معمولی دشوار می‌کند، در این فضا تعامل آزادانه، تبادل بی ملاحظه، ایفای نقش غیر کارشناسانه، بیان صریح علائق و باورها، انتخاب شخصی، آزادی عمل و پیوند و گسست غیر ملاحظه کارانه وجود دارد. فقدان نظارت در فضای مجازی باعث شده است که آنارشیست‌ها به فضای مجازی علاقمند گردند. در هم تنیدگی این ویژگی فضای مجازی با عنصر آزادی بیش از بقیه موارد

سلامت روانی کاربران را به خطر می‌اندازد. زیرا دسترسی بدون محدودیت کاربران به همه اطلاعات در فضای مجازی، همچنین تهی بودن گفتگوها و فقدان عمق اطلاعاتی که رد و بدل می‌شوند باعث شده است که به تعبیر بل «کاربران معمولی» دریافت کنندگان منفعل فناوری باشند؛ به دلیل اینکه آنها با فناوری از پیش تثبیت شده سروکار دارند (بل، ۱۳۹۰: ۸۶)؛ از نظر بل فناوری برای کاربران معمولی درون «جعبه سیاه گذارده می‌شود» آنها ترغیب نمی‌شوند که «به داخل جعبه نگاه کنند»، درباره چگونگی کار آن کنجکاوی نمایند، به ایشان گفته می‌شود چگونه از آن استفاده کنند و باید به همین اندازه اکتفا کنند (همان: ۸۶ و ۸۷). این فناوری عقلانیت کاربران را تحریک نمی‌کند زیرا به گونه‌ای طراحی شده است که فقط استفاده کردن را از آنها طلب می‌کند نه کنجکاوی را. عدم کنجکاوی در استفاده از فناوری برای کاربران معمولی از دو جهت مهم است:

۱. احساس نیاز به کشف سازوکار فناوری و نحوه عمل ابزارهای فناورانه را به حداقل کاهش می‌رساند

۲. با القای قدرتمند نحوه استفاده از فناوری، آنها را در یک میدان به ظاهر فراخ اما در واقع تنگ اسیر می‌کند و با القای احساس کاذب آزادی، آنها را در اجباری نامرئی قرار می‌دهد.

در واقع القای مهم فضای مجازی بر آنان از این طریق است که آنها را در این توهم قرار می‌دهد که حضوری فعال و اثرگذار دارند و هیچ تحمیلی بر آنها اعمال نشده است. آنها در این فضا از احساس «آزادی» سرشار می‌شوند و در هیچ زمان و مکانی به اندازه این فضا قادر به تعامل آزادانه و بدون ملاحظه آداب یا قوانین نبوده‌اند؛ آنها مشتاق‌اند که انتخاب‌های فردی مبتنی بر تمایلات داشته باشند و از الزام‌های درونی و بیرونی گریزان هستند.

توده محوری و فناوری مجازی هر دو اموری اجتماعی‌اند و به همین دلیل به سادگی بر هم منطبق می‌شوند. زمانی که آزادی به ترکیب توده و فناوری الحاق می‌شود، آسیب آزادی را بیش از فرصت‌ها و امکانات آن می‌کند. بودریار نگاه منفی نسبت به توده دارد و آن را امری «اسفنج‌گون، دارای واقعیت مات، اما به همین سان شفاف، نیستی» می‌داند (بودریار، ۱۳۸۷: ۴۱). پرداختن به اینکه توده چه امکاناتی در اختیار دارد، قادر به انجام چه اموری است و زیست توده‌وار در فضای مجازی چه معایب و محاسنی دارد، مستلزم بررسی رابطه توده محوری با هویت تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است زیرا هویت بیش از هر امر دیگر با سلامت روانی کاربران مرتبط است. آنچه در یک بررسی اولیه نمایان می‌شود این است که یکی از امکانات توده‌ها داشتن وقت فراوان برای سپری کردن زمان در فضای مجازی است. این امکان زمینه‌ای برای عدم تعهد به گزینش‌های فرد در مقابل انواع محتوایی است که در اختیار او قرار می‌گیرد.

با توجه به ویژگی توده‌وار بودن فضای مجازی برای اینکه روشن شود آزادی موجود در فضای مجازی به نفع یا به ضرر کاربران عمل می‌کند و چگونه این کار را انجام می‌دهد، لازم است بررسی شود که آن‌ها چگونه می‌اندیشند و چه تجاربی دارند. آزادی نامعقولی که توده‌ها با آن سرگرم گذران امور هستند، نقش آنها را محدود به مصرف کنندگان محتوا می‌کند و عملاً امکان ایفای نقش‌های مهم و اثرگذار را به آنها نمی‌دهد. بی‌گاست معتقد است «توده‌ها بنا بر تعریف نه می‌توانند و نه باید به تمشیت امور خویش پردازند و از همین رو به طریق اولی از اداره امور جامعه به طور کلی عاجزانند. پدیده جدید ظهور توده‌ها در عرصه تاریخ عمیق‌ترین بحرانی است که دامن‌گیر مردمان، ملتها و فرهنگ‌ها شده است و می‌توان از آن با عنوان «طغیان توده‌ها» یاد کرد» (بی‌گاست، ۱۳۸۱: ۲۲۱). زندگی توده‌ای برخلاف زیست گروه‌های برتر، بر اندیشه یا آرمانی بلند یا دست کم همبستگی عرفی استوار نیست. انسان توده‌ای به ارزش‌های خود واقف نیست و صرف اینکه شبیه دیگران است او را به اندازه کافی راضی و مشعوف نگه می‌دارد و دچار احساس ناآرامی ناشی از نشناختن جایگاه خود در هستی نمی‌شود. انسان توده‌ای در فضای مجازی از شبیه دیگران بودن و بکار نینداختن عقل و فکر خود و غفلت از سنجش ارزش و قیمت خود احساس رنج نمی‌کند. از نظر بی‌گاست آنچه در گذشته رایج بود دموکراسی آزادمنشانه بود اما امروزه دموکراسی افراطی و خارج از قاعده حاکم شده است. امروزه توده‌ها گمان می‌کنند حق دارند اندیشه‌های برخاسته از تصورات مبتذل خودشان را تحمیل کنند و پیش ببرند (همان: ۲۲۶ و ۲۲۷).

این ویژگی‌ها به منزله چشم اندازی پیش روی کاربران فضای مجازی هستند که ضرورت توجه به مقوله مدیریت ذهنی و رفتاری کاربران را در مواجهه با اختیار عمل و آفری که دارند، دو چندان می‌کند. برای بهینه کردن حضور گریزناپذیر افراد در فضای مجازی از یک قاعده دینی استفاده می‌شود که می‌تواند به همراهی اثر بخش زیست مجازی، آزادی و هویت بیانجامد.

۳ تشخیص محکمت و تشابهات در فضای مجازی با تأکید بر مؤلفه آزادی

استفاده از بحث محکمت و تشابهات در این پژوهش به منظور ایجاد نقطه اتکای تربیت دینی به یک نظرگاه متقن و مستخرج از بطن قرآن است که برای اثبات حضور اثر بخش و کارآمد حیات دینی در بستر سیال فضای مجازی لازم و ضروری است. بدین منظور به مقوله محکمت و تشابهات قرآنی پرداخته شده است زیرا به اعتبار این سخن: «من رد متشابه القرآن إلی محکمه هدی الی صراط مستقیم» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۲۶۱)، انسان تراز دینی از طریق عرضه انسان متشابه به انسان محکم معرفی می‌گردد. با توجه به آنچه در باب ماهیت فضای مجازی آمد، انسان به عنوان کاربر هوشمند فضای مجازی در دام تشابهات موجود در این فضا قرار می‌گیرد و همان طور که از آیه هفتم سوره آل عمران بر می‌آید امور متشابه به گونه‌ای اند که تفسیر و تأویل بردار هستند و دو دسته از افراد می‌توانند با دست آویز قرار دادن آنها به امور باطل پردازند. دسته نخست مبدعان و طراحان فضای مجازی و سازندگان محتوای موجود در آن هستند که یقیناً اغراض خاصی را از ارائه بدون هزینه خدمات به کاربران دنبال

می‌کنند؛ دسته دوم کاربرانی هستند که در جایگاه مصرف‌کننده قرار دارند و به دلیل پیروی بی‌قاعده از امیال و گرایش‌های خود یعنی همان اموری که در میان مفاهیم دینی تعبیر به هوای نفس می‌شود، در دام امور متشابه موجود در فضای مجازی قرار می‌گیرند. با توجه به زمینه موجود، همانگونه که آیات متشابه به آیات محکم ارجاع داده می‌شوند، در انسان‌شناسی دینی نیز، لازم است انسان خویش را به قرآن (ارائه دهنده اوصاف انسان) و عترت (معرفی‌کننده انسان کامل) عرضه کند؛ یعنی انسان متشابه خود را به انسان محکم عرضه نماید و به میزان نزدیکی به «انسان کامل» مشخص می‌شود که چقدر به مسیر سعادت نزدیک شده است. لذا معرفی انسان تراز یکی از راهکارهای اصلی برای مواجهه معقول با چالش‌های فضای مجازی می‌باشد.

بر اساس آنچه در باب محکّمات و متشابهات آمد و با توجه به موضوع اصلی این پژوهش که تبیین ماهیت فضای مجازی است، می‌توان گفت اموری مانند آزادی، میل و نیاز که در حال حاضر در فضای مجازی به عنوان عامل تشخیص و گزینش اطلاعات عمل می‌کنند و حکم معیار را پیدا کرده‌اند، امور متشابهی‌اند که باید به محکّمات مربوط به خود عرضه شوند و حکم اصلی خود را پیدا کنند تا کاربر فضای مجازی تصور نکند که قوانین این فضا متفاوت از قوانین جاری در حیات غیر مجازی است. بررسی دقیق اینکه آزادی جزء متشابهات انسان است نه محکّمات او، نیازمند پرداختن به علت وجود آزادی است؛ از نظر گرام آزادی دو علت دارد: ۱. عقل ۲. مرجحات یا توان انتخاب مرجحات (گرام، ۱۳۹۳: ۱۲۹). البته از آن‌جا که مرجحات بر تأملات معقول متمرکز است، آن‌هم به عقل باز می‌گردد؛ حتی اگر ریشه مرجحات کشش‌های غریزی باشد، این عقل است که با سنجش متأملانه از میان انگیزه‌ها و محرک‌ها گزینش می‌کند (چون میان امیال هم امکان برخورد یا ناسازگاری وجود دارد، به حضور عقل نیاز هست)، لذا علت وجود آزادی و اختیار همان عقل است. گرام به عامل جامعه‌پذیری و آموزش آن نیز اشاره می‌کند و آن را راهکار مهار کردن امیال و تبدیل آن به مرجحات می‌داند؛ از نظر او این عامل نه تنها نافی آزادی نیست بلکه منسجم‌کننده هم هست (همان: ۱۳۱ و ۱۳۳). یکی از تجلیات آزادی در فضای مجازی این است که دسترسی به اطلاعات را برای همه میسر می‌کند و فراتر از آن، امکان مشارکت در تولید داده را برای تمام کاربران فراهم می‌کند و سطوحی از دموکراسی را فراهم می‌کند که لزوماً مقبول و موجه نیست. گرام این نوع آزادی را افسارگسیختگی می‌داند و می‌گوید: «اینترنت به عنوان هرج و مرج مبتنی بر دو فرض است: ۱. اینترنت جریان نامحدود اطلاعات است و دانایی توانایی است ۲. آزادی جزئی از تمنیات ذاتی است که انسان همواره در جستجوی بی‌امان آن بوده است. تنها با این دو فرض است که می‌توان گفت توانایی وب‌نوردی با هیچ چیز دیگری جز تمایل شخصی انسان‌ها به سوی آزادی یا افسارگسیختگی قابل تبیین نیست» (همان: ۱۲۰ و ۱۲۱). بر این اساس که آزادی هم می‌تواند با عقل هم‌سو و ترکیب‌گردد و هم با تمایلات نفسانی انسان، به وضوح قابل درک است که آزادی امر متشابهی است و هر امر متشابه نیازمند رجوع به امر محکم است. آزادی تنها در یک صورت می‌تواند عامل رشد و ارتقای انسان محسوب شود و در خدمت تکامل او قرار بگیرد و آن این است که با

عقل همراه گردد. لذا می‌توان گفت آزادی موجود در فضای مجازی با تغییر صورت دادن به اختیار، که در آن درجات عمیق‌تری از عقل‌ورزی وجود دارد، مصداقی از رجوع متشابهات به محکّمات است.

حال که روشن شد نسبت میان آزادی و امور محکم و متشابه چگونه است، می‌توان به نقش عناصر اصلی تربیت دینی در مواجهه با عنصر آزادی در فضای مجازی پرداخت. عناصری که هم حکم معیار را برای گزینش‌های انسان ایفا می‌کنند و هم احساس رضایت و مطلوبیت از گزینش‌های فرد را بوجود می‌آورند. به عبارت دیگر برای اینکه ارتباط امور محکم و متشابه با فضای مجازی به شکل دقیق‌تری روشن شود، به اهمیت عنصر «آزادی» با در نظر گرفتن چندجانبه و مبهم بودن فضای مجازی پرداخته می‌شود؛ عاملی می‌گوید: «پارادایم دو فضایی شدن امری چندجانبه و مبهم است» (عاملی، ۱۳۹۶: ۱۹۰)؛ هر آنچه در ابعاد خود تکثر داشته باشد، محتاج «معیار» است و هر آنچه مبهم باشد محتاج عناصر «وضوح بخش». چند بعدی و مبهم بودن روند دو فضایی شدن، در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تجلی کرده است و پیچیدگی‌های متنوعی به وجود آورده است که عبور از آن چه در زمان حاضر که دوره ظهور قارچ گونه جریانات فکری متنوع است، چه در آینده که مباحث مربوط به دو فضایی شدن توسعه و تکامل بیشتری خواهد یافت، محتاج معیار و عامل وضوح بخش است. معیار دینی برای رجوع هر آنچه به آزادی انسان مربوط است، «عقلانیت» است و عامل وضوح بخش به آنچه در فضای مجازی مبهم است، عنصر «معنویت» موجود در نظام دینی است (مصباحی جمشید، ۱۳۹۸: ۱۵۵). لازم به ذکر است عقلانیت غیر دینی که صورت‌های متنوعی می‌تواند داشته باشد از قبیل عقلانیت ابزاری، عقلانیت مطلق، عقلانیت مقید، عقلانیت آنارشیسمی و مانند آن با قاعده رجوع متشابهات به محکّمات متناسب نمی‌باشد زیرا عقلانیتی حکم امر محکم را ایفا می‌نماید که متکی به مرجعیت وحی باشد و همچنین معنویتی می‌تواند جهت‌دهنده به تمایلات انسان در فضای مجازی باشد که برآمده از دین باشد و لذا معنویت‌های غیر توحیدی از این قاعده خارج می‌باشند. با این توضیح آزادی به عنوان اصلی‌ترین عامل گزینش در فضای مجازی، می‌تواند به عنوان عامل وصول به سعادت و حیات طیبه باشد و در پارادایم دو فضایی شدن حضور اثر بخش داشته باشد، مشروط به اینکه تلقی درستی از آن وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری

برای مواجهه مطلوب با هر امر بایستی به درک نظری دقیقی از آن رسید لذا پیش از مواجهه با رفتار کاربران فضای مجازی و تحلیل آن، لازم است ماهیت حقیقی فضای مجازی روشن گردد. بدین منظور در این پژوهش به ماهیت فضای مجازی و ویژگی‌های آن شامل متن محوری، زیست در شبکه و توده محوری، همچنین به معنا و کارکرد مؤلفه آزادی پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که کاربران فضای مجازی آزادی قابل توجهی را تجربه می‌کنند. این آزادی به دلیل اینکه در یک بستر ماهیتاً سیال و مرکز‌گریز متجلی می‌شود، قاعده‌گریز است و بیش از آنکه تابع معیار باشد، هم‌سو با تمایلات نفسانی و گرایش‌های کاربران است. با توجه به اینکه آزادی

یکی از ویژگی‌های طبیعی انسان است و طبق مبانی دینی نیز اختیار یکی از نعمت‌های الهی است که به بشر عطا شده است و در سطح تکوینی همه افراد بهره‌مند از آن هستند، حضور و ایفای نقش آن در بستر جدیدی که انسان معاصر در آن زیست می‌نماید، یعنی فضای مجازی، طبیعی می‌نماید اما با بکارگیری آزادی ضرورتاً انسان به سمت سعادت هدایت نمی‌شود بلکه اگر چنین باشد با ذات و معنای آزادی در تناقض است. آزادی قدرتی است برای گزینش‌های درست یا نادرست انسان. آنچه در این پژوهش به اثبات رسید این بود که آزادی امر متشابهی است که نیازمند ارجاع به امور محکم است و اگر این ارجاع صورت نگیرد، آزادی در خدمت حیات مطلوب کاربران نخواهد بود و آنان را با موجی از آشفتگی حاصل از بی‌هویتی یا هویت نامطلوب مواجه خواهد کرد. در واقع با بهره‌گیری از قاعده رجوع متشابهات به محکومات - که خود این قاعده از محکومات قرآن کریم است - برای مواجهه با آزادی، انسان مجهز به توانمندی ویژه‌ای در کار با فضای مجازی می‌شود. با توجه به مبانی دینی، امور محکمی که آزادی می‌تواند به آنها عرضه شود عقلانیت و معنویت دینی است که حکم معیار و عامل وضوح بخش را ایفا می‌نمایند. با رجوع به این امور چندجانبگی و ابهام موجود در فضای مجازی برطرف می‌شود.

منابع

قرآن کریم

بارت، رولان، سرگشتگی نشانه‌ها نمونه‌هایی از نقد پسامدرن، ترجمه صفیه روحی، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۴

برلین، آیزایا، چهار مقاله آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، ۱۳۹۲

بل، دیوید، نظریه پردازان فرهنگ سایبری، مانوئل کاستلز و دانا هاراوی، ترجمه مهدی شفیعیان، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰

بل، دیوید، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹

بودریار، ژان، در سایه اکثریت‌های خاموش، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۸۷

جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۹۲

جعفری، محمدتقی، حیات معقول، تهران، انتشارات بنیاد انتقال به تعلیم تربیت اسلامی، ۱۳۶۱

دریدا، ژاک، پایان کتاب و آغاز نوشتار، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، (مجموعه مقالات)، لارنس کهن، تهران، انتشارات نی، ۱۳۸۱

دریفوس، هیوبرت، نگاهی فلسفی به اینترنت، انتشارات گام نو، ۱۳۸۳

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، جلد اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

رشیدیان، عبدالکریم، فرهنگ پست مدرن، تهران، انتشارات نی، ۱۳۹۳

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۳۷۸

طباطبایی، محمدحسین، المیزان، جلد سوم، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۳

عاملی، سعیدرضا، فلسفه فضای مجازی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۶

کانت و دیگران، روشن‌نگری چیست، ترجمه سیروس آرین پور، تهران، آگاه، ۱۳۷۶

گرام، گوردن، جستاری فلسفی در ماهیت اینترنت، ترجمه محمدرضا امین ناصری، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۳

مصباحی جمشید، پرستو، درآمدی بر مسائل تربیتی در فضای مجازی از منظر معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دینی، همدان، دانشجو، ۱۳۹۸

مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱، تهران، صدرا، ۱۳۷۷

وینر، نوربرت، استفاده انسانی از انسان‌ها: سایبرنتیک و جامعه، ترجمه مهرداد ارجمند، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲

هوراکس، کریستوفر، پست مدرنیسم و مجازی شدن در نگاه مارشال مک لوهان، ترجمه سروناز تربیتی، نادر صادقی لواسانی نیا، تهران، انتشارات گفتمان، ۱۳۸۱

هابز، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران، انتشارات نی، ۱۳۸۰

بی‌گاست، خوزه ارتگا، پدیده ازدحام توده‌ها، ترجمه حسین بشیریه، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، (مجموعه مقالات)، لارنس کهن، تهران، انتشارات نی، ۱۳۸۱

Benedikt, M, cyberspace: First Steps, Cambridge, MA: MIT Press, 1991a

-----, Cyberspace: some proposals, in M. Benedikt (ed) Cyberspace: First Steps, Cambridge, MA: MIT Press, 1991b

Castells, M, and Catterall, B. The Making of the Network Society, London: INC, 2001 .

Whittle, David B, Cyberspace: The Human Dimension. New York. W.H.Freeman, Winter, Vol 1.1997